

بنده در درس آیه ... طباطبائی.

سوال - حضرت آیه ... پیرامون نقش بزرگ وشایان تقدیر استاد علامه طباطبائی در روشن نمودن و عرضه کردن عقاید اسلامی به شکل صحیح بویژه در رابطه با نسل جوان توضیحاتی بفرمایید.

جواب- عرض کنم که درباره نقش علامه طباطبائی در جهت آگاه کردن نسل جوان مخصوصاً، به مفاهیم اسلامی می توانیم عرض کنیم که تقریباً یک موسسه بود ایشان و یک پایه گذاری بود برای ایجاد علوم عقلی و اسلامی و مطالب بسیار عالی درازنده باشیوه های ابتکاری و جالب دانستند که آیه ... مطهری با اینکه از محضر حضرت امام استفاده زیاد میبردند. از محضر ایشان هم زیاد استفاده برده اند و نقش بزرگ علامه مطهری خیلی اش منشأش برخورد ایشان با مرحوم علامه طباطبائی بوده است. و افکار مرحوم علامه طباطبائی هم مستقیماً کتب و نوشته جانشان اثر و نقش داشت و شهید مطهری هم کاتالی بودند درین جهت. و اساساً یک آگاهی و پیشش مخصوصاً نسل جوان در امور دینی دادند.

سوال - از جنابعالی درخواست میکنم در رابطه با تفسیر بزرگ و پرربار المیزان که خود شما نیز تکیه زیادی بر روی آن دارید، چند جمله ای بیان کنید.

جواب - عرض شود که تفسیر المیزان گذشته از اینکه عمیق مطالبش بی نظیر بود، مطالب عمیق ارزنده و ابتکارن دارد. یک خصوصیت دیگرش هم اینست که ابتکار موضوعی که باید بحث شود، میبایست چون طرح موضوع یعنی چه موضوعی شایسته است طرح بشود و در انفرافش بحث بشود خود این هم بنظر بنده، عریسی دیگرش به اینجاها نمی رسد که چه موضوعی شایسته است بحث شود. از جمله امتیازات این تفسیر روش تفسیر موضوعی آن است. و بدلیل آوردن بحثهای مختلف (فلسفی، اخلاقی و...) در باب یک موضوع

سوال - حضرت آیه ... با توجه به اینکه ولایت فقیه مهمترین رکن اسلام در زمان غیبت میبایست (و کلاً اصل ولایت مهمترین رکن اسلام) تقاضا میشود نظر مرحوم علامه طباطبائی را پیرامون ولایت فقیه بیان بفرمایید.

بقیه در صفحه ۵۸

بسم ... الرحمن الرحیم

مسئولیت خطیر حوزه علمیه نجف آباد و تربیت و ترغیب خیل جوانان جانپز اسلام و ارشاد مؤمنین و مردم آن دیار را بعهدہ دارند هم اکنون بسیاری از شاگردان ایشان در سنگر مجلس و دیگر ارگانها مشغول انجام وظیفه می باشند اینک متن مصاحبه از نظر خوانندگان عزیز می گذرد.

مقدمه:
به مناسبت اولین سالگرد وفات علامه طباطبائی خیرنگار مجله جهاد با نماینده امام و امام جمعه نجف آباد حضرت آیت ... حاج شیخ عباس ایزدی مصاحبه ای ترتیب داده است که از نظر تان می گذرد لازم به تذکر است که این شخصیت بزرگوار که جدا از تعریف و تمجید ما مستغنی است قریب ۲۵ سال

مصاحبه با آیت ... ایزدی به مناسبت اولین سالگرد وفات علامه طباطبائی



سوال - حضرت آیه ... ایزدی با عرض تشکر از اینکه تقاضای ما را برای انجام یک مصاحبه پیرامون شخصیت گرانقدر مرحوم علامه طباطبائی پذیرفتید به عنوان سوال بفرمایید نحوه آشنایی شما با مرحوم علامه بچه صورت بوده است؟

جواب - عرض کنم که نحوه آشنایی بنده با مرحوم علامه طباطبائی این بود که به مناسبت بعضی از مباحث فقهی کمابیش احتیاج به خواندن فن هیات بود، شنیدیم که در قم بتازگی آقای آمده اند که معروفند به آقای قاضی و ایشان هیات درس می گویند، کتابی بود بنام شرح جفعمینی، و قبل از این درس، درس دیگری بنام تفسیر میفرمودند که ما برای درس هیئت رفته بودیم، آنوقت تفسیر هم می شنیدیم، بنده که سالهای زیادی بود که خیلی دلم میخواست که علوم قرآنی را بشنوم (و مطالبی که از دیگران می شنیدم اگرچه خوب هم بود، طبعم را قانع نمیکرد) در آن دو جلسه اول که از تفسیر ایشان قدری گوش دادم، دیدم مثل اینکه کم شده ای که دنبال آن می گشتم را پیدا کردم و بعد همیشه در درس تفسیر ایشان حاضر میشدم و خیلی هم اشتیاقی به مباحث فلسفی، عقلی، عرفانی و اینها داشتم. در ضمن متوجه شدم که ایشان درین فن هم بسیار ید طولانی دارند، کم کم در درس اسفار ایشان هم وارد شدم (و قبل از حضور به درس ایشان خدمت حضرت امام هم منظومه سبزواری می خواندم و یک درس هم امام از اسفار در منزلتان برای مرحوم آیه ... مطهری، حضرت آیه ... منتظری و بعضی از فضلاء دیگر داشتند که به من هم اجازه داده بودند در آن درس حاضر شوم، هم اسفار امام را حاضر میشدم و هم به درس اسفار ایشان (علامه) و دیگر ادامه پیدا کرد شرفیابی

*** آیت ... شهید مطهری با اینکه از محضر امام استفاده زیاد می بردند، از محضر ایشان هم زیاد استفاده برده اند و نقش بزرگ علامه مطهری خیلی اش منشأش برخورد ایشان با مرحوم علامه طباطبائی بوده است.**

مصاحبه با آیت ایزدی

جواب - در کتاب تفسیر ایشان در جلد چهارم المیزان در ذیل آخرین آیه سوره آل عمران بحثهایی ایشان کرده اند که یکی از این بحثها عنوانش اینست: من الذی یتقلد ولایت امر المجتمع یعنی از نظر شرایط زماندار و... در اسلام، آنچه بنده استفاده کرده ام نتیجه اش این میشود که همانطوریکه در قانون اساسی جمهوری اسلامی در موادی از آن هست که رهبری اسلام و ولایت جامعه اسلام در زمان پیغمبر به عهده خود پیغمبر است. در زمان امام از نظر مائتیه به عهده امام است. ولی در زمان غیبت با فقیه جامع الشرایط است و خلاصه از بحثشان استفاده میشود که ایشان ولایت فقیه را ملتزم بوده اند.

سوال - از حضورتان درخواست میکنیم پیرامون جامعیت داشتن مرحوم علامه طباطبایی در رشته های گوناگون چون فلسفه، فقه، عرفان و... مطالبی بفرمایید.

جواب - عرض کنم که راجع به این سوال که جامعیت ایشان چگونه است، مثل معروفی است که صاحب فضیلتی از مردم را کسی میتواند بشناسد که خود آن شخص هم آن فضیلت را داشته باشد، از این جهت بنده راجع به جامع بودن علامه طباطبایی چون

بهر بنده تمام نوشته های علامه طباطبایی و علامه مطهری برای نقل جوانان حیدر است و لازم است اگر میسر در میرسانند و در دستگامها منتشر میکنند بسیار بجا و مورد بود.

خودم ذی فنون نیستم، همینقدر سر بسته میدانم که علامه طباطبایی حتی در علوم غریبه، در اقسام شعبه، گذشته از اینکه در هیت قدیم و جدید و ریاضیات و غیره ذلک در همه این رشته ها ایشان دست داشته اند، که اگر روی این اصطلاحی که در دانشمندی که جامع علوم عصر بوده است به او می گفته اند معلم، نظیر اینکه به بهر قراط می گویند معلم اول، به ارسطو می گویند معلم ثانی، به شرح الرئیس می گویند معلم ثالث، روی این حساب اگر به علامه طباطبایی بگویم معلم رابع ادعای بی جهتی نکرده ایم، جامعیت ایشان محرز است.

سوال - حضرت آیتا... استدعای

میکنیم در رابطه با روح عظیم و بزرگ و ساخته شده مرحوم علامه و زهد و مراقبه نفس ایشان جملاتی بیان کنید.

جواب - راجع به زهد ایشان که حقیقت زهد یعنی میل به دنیا نداشت، دنیا پیششان و ریاست دنیا پیششان اهمیتی نداشتن، راجع به این جهش من می توانم ادعا کنم مردی با همه این جامعیتش در رشته های مختلف علوم، شاید با این جامعیتشان اگر ذره ای تمایل به دنیا داشتند می توانستند پستیهای بسیار حساسی را اشغال کنند ولی نه، هیچ اظهار تمایل به این جهات نمی کردند و جایی نخواهند خودشان را مطرح بکنند که منم که با سوادم، منم که چی، هیچ نشانه ای از این در اخلاق ایشان یا در گفتار ایشان نبود حتی اینقدر بود که اگر فرضاً چنانچه یک مطلبی که بفکرشان میآمد، این مطلب را از گفتگوی یکی از شاگردانشان بنهشتان میرسید اینرا اظهار میکردند. از باب مثل حدیثی یک وقتی ما خدمت ایشان بودیم با یکی از فضلا، آن فاضل از ایشان راجع به حدیثی سوال می کردند، آنوقت ایشان جوابی دادند، بنده هم عرض کردم که شاید حدیث معنائیش این باشد، آنوقت دیدم مثل اینکه پسندیدند و به آن طرف فرمودند که حرف ایشان هم اینست، اینرا به این عنوان ذکر میکنم که حتی در مطالبی که حالا از دیگری منتقل شد برای اظهار قدردانی از آن کس و هم برای اینکه بخود چیزی را نیندد، می گفتند که این مطلب از ایشان است، و از این جهش ایشان هیچ اثری در گفتارشان و یا در اعمالشان که از آن استفاده شود میلی بدینا داشته

کابینه یکساله

ادارات و مؤسسات دولتی در حقیقت کانالهای ارتباط بین دولت و مردم اند هرگاه این کانالها از سلامت لازم برخوردار نباشند در این ارتباط که مهمترین پشتوانه دولت است خلل وارد میشود و دولت هر چند مکتبی و بر تئوری باشد مقبولیت لازم را در بین توده ها به دست نمی آورد.

امروز بر کسی پوشیده نیست که سیستم اداری و مالی دولت که میراث رژیم است از ضعف ها و اشکالات اساسی برخوردار است و سیستم موجود امکان هرگونه اقدام مثبت را حتی از نیروهای مؤمن و متعهد نیز سلب کرده است. و ادارات در انجام وظایف خود نسبت به مردم خصوصاً روستائیان مستضعف به سختی ناتوانند و بیع و تاپ های نامعقول این سیستم کاربردانیوه

کارکنان دولت را حداقل ممکن کاهش داده است، از سوی دیگر برای تحول در پیش و طرز فکر کارکنان دولت از سوی دولت اقدام اساسی نشده و باز سازی نیروی انسانی، آنگونه که باید و شاید صورت نگرفته و متأسفانه هنوز قشری از کارکنان دولت مفهوم ایثارگری های امت را درک نکرده اند و

انجام خدمت به آنان را با غرور و نخوت و تساهل انجام میدهند و به جای آنکه خود را خدمتگزار مردم بدانند، میز و مقام خود را اسباب تکبر برای آنان قرار میدهند.

با اینکه نهادهای انقلاب اسلامی چاره سازترین مشکلات، اداری مملکتند و می توانند به عنوان بهترین الگو برای انقلاب اداری مورد توجه قرار گیرند. متأسفانه از حمایت مطلوب برخوردار نیستند و گاه اصرارهای نادرستی در ادغام یا حذف آنها از سوی دولت دیده می شود.

متأسفانه برداشت بعضی از مسئولین از درست کار کردن این است که اداره یا وزارتخانه خود را با همان تشکیلات قدیم حفظ و تقویت کنند و توسعه دهد و اگر هر نهادی خواست کار آنها را به نحو بهتری انجام دهد آن را تداخل در مسئولیت بنامند. این بخش ناشی از کج اندیشی و برداشت غلط از خدمت به مردم است و اضمالت دادن به اداره و وزارتخانه و تشکیلات در برابر اصالت خدمتگزاری به مردم است. بدون تردید خدمات دولت باید تابع تشکیلات و ضوابطی باشد ولی در این راه

از اما نباید به سیستم و تشکیلات قدیم تمسک جست، دولت می تواند با ایجاد حرکتی انقلابی واحدها و بخش هایی در وزارتخانه ها ایجاد کند که نیروی های متعهد و مؤمن بخوانند با اختیارات بیشتر و خارج از ضوابط دست و پاگیر اداری و مالی انجام وظیفه کنند.

یکی دیگر از نقاط ضعف دولت که تا کنون بسیاری از مسئولین و مردم بدان اشاره نموده اند ضعف تبلیغات در دولت است. اشتباه نشود که منظور از تبلیغات توضیح بی دربی اقدامات انجام شده دولت از طریق رسانه های گروهی نیست، بلکه مراد ایجاد رابطه فکری و منطقی بین مردم و دولت است. دولت می تواند بسیاری از مشکلات خود را از طریق مردم حل کند (چنانکه تا کنون حل کرده) توضیح کارهای انجام شده و بیان منطقی نارسایی ها برای مردم آنها را به دولت نزدیک می کند. اگر وزرا هر چند گاه یک بار با مردم به گفتگو بنشینند و ضمن ارائه گزارش کار خود آنها را به همکاری و هم فکری بخوانند و اشکالات و نارسایی های حوزه عمل خود را صادقانه با آنان در میان بگذارند، مسلماً